

## ۷۳ سال زندان مجازات قتل مرد تنها

چهار سارق که مرد تنها را برای سرقت اموال و فروش خانه‌اش به قتل رسانده‌اند در مجموع به ۷۳ سال زندان، تحمل شلاق و پرداخت دیه محکوم شدند.

به گزارش خبرنگار مار، اواخر سال ۸۹، دختر جوانی مأموران پلیس تهران را از ماجرای ناپدید شدن ناگهانی عموی ۶۳ساله‌اش آریس باخیر کرد، او گفت: «دانشجو و در یکی از شهرهای شمالی مشغول تحصیل هستم. ما پهلوی هستیم و عمومی به تنهایی در خانه‌اش در میدان توچید تهران زندگی می‌کند. هر روز با هم تماس داشتیم اما مدتی بود او پاسخ تلفن‌هایم را نمی‌داد. به همین خاطر نگران شدم و وقتی به تهران آمدم مقابل خانه‌اش رفتم و زنگ زدم. مرد ناشناسی جلوی در آمد و مدعی شد خانه را از عمومی خرید و سند خانه را هم نشان داد.» دختر جوان گفت: «عمومی مرد تنهایی بود و اگر قصد فروش خانه‌اش را داشت حتماً به من اطلاع می‌داد. به همین دلیل نگرانم اتفاق بدی برایش افتاده باشد.»

بعد از این توضیحات، تحقیقات برای یافتن مرد میانسال آغاز شد و کارآگاهان پلیس در اولین گام از تحقیقات خود سراغ مرد صاحبخانه رفتند و او را تحت بازجویی قرار دادند. آنجا بود که مشخص شد این مرد خانه را خریداری کرده است، اما در بررسی‌های بعدی معلوم شد، چند فقره از چک‌های عموی دختر جوان در بازار فروخته شده است. به این ترتیب پلیس توانست یکی از فرورنده‌های چک را بازداشت کند.

مرد ۴۰ساله وقتی تحت بازجویی قرار گرفت ابتدا سعی داشت پلیس را گمراه کند، اما بعد از چند مرحله بازجویی لب به اعتراف گشود و گفت با همدستی دو نفر از دوستانش به خانه آریس دستبرده زده است و طراح این نقشه ماهان – پسر همسایه آریس – بوده است.

به این ترتیب سه مرد ۴۴، ۴۴ و ۳۶ساله به نام‌های احمد، طاهر و سپهر به همراه ماهان بازداشت شدند و به جرمشان اقرار کردند. بعد از اقرار متهمان احمد، طاهر و سپهر به اتهام مشارکت در قتل و سرقت مقرون به آزار و جعل سند و ماهان به اتهام معاونت در قتل و سرقت روانه زندان شدند.

هفت‌سال از این حادثه گذشت و از آنجائیکه جسد مقتول کشف نشده‌بود، پرونده به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی عبداللهی فرستاده شد.

در اولین جلسه رسیدگی به پرونده، بعد از اعلام رسمیت جلسه، وکیل برادر زاده مقتول در جایگاه قرار گرفت و گفت: «از آنجائیکه مقتول یهودی بوده است و در قانون امکان در خواست قصاص برای عاملان قتل وجود ندارد برای متهمان در خواست اشد مجازات دارم.»

سپس احمد به دستور ریاست دادگاه در جایگاه ایستاد و در شرح ماجرا گفت: «ماهان دوست صمیمی‌ام بود، او سال‌ها با آریس همسایه بود و او را می‌شناخت. وقتی ماهان فهمید آریس تنها زندگی می‌کند نقشه سرقت را طراحی کرد و قرار شد من و دوستانم او را همراهی کنیم.» متهم ادامه داد: «روز حادثه وقتی مقابل خانه مقتول رفتم، خودمان را مأمور اداره برق معرفی کردیم. آریس مقابل در آمد و در رایز کرد. به زور داخل خانه رفتم و ابتدا پاهایش را با چسب بستیم. سپس روی دو سکه طلا، یک ظرف عتیقه و سند خانه را برداشتیم و از خانه بیرون آمدیم. وقتی می‌خواستیم از خانه خارج شویم از یکی از دوستانم خواستیم چسب پاهای مقتول را باز کند تا بتواند خودش داخل منزل ما برود.» او در آخر می‌بخشم» گفت: «باور کنید قصد کشتن مقتول را نداشتیم و فکر نمی‌کردیم او مرده باشد. تا اینکه ماهان تماس گرفت و گفت از خانه آریس بی تعفی می‌آید. وقتی با دوستانم مقابل خانه او رفتم، دیدیم جسد آریس روی زمین افتاده است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم برای گمراه کردن پلیس روی جنازه آب آهک بریزم و سپس بقایای جسد را داخل یک کیسه پلاستیکی گذاشتم و آنرا در حیاطش پرتاب کردم.» او در آخر می‌گوید: «به ادامه طاهر نیز در جایگاه ایستاد و با انکار مشارکت در قتل گفت: «آن روز بعد از سرقت وقتی می‌خواستیم از خانه خارج شویم چسب پاهای مقتول را کمی شل کردیم تا خودش آنرا کامل باز کند، اما بعد متوجه شدیم او فوت کرده است.» سپس متهم در خصوص نحوه فروش خانه مقتول گفت: «پیرمردی را می‌شناختم که شباهت زیادی به آریس داشت. از این موقعیت استفاده کردم و به دروغ گفتم یکی از بستگانم خارج از کشور زندگی می‌کند و بیماری صعب‌العلاج دارد و می‌خواهد خانه‌اش را بفروشد. به همین دلیل از او خواستم تا تغییر چهره

خانه را بفروشم و پول آن را برای صاحبش به خارج از کشور بفرستم. او هم قبول کرد و بعد از معامله ۴میلیون تومان به حساب آن مرد پرداخت کردیم.» در ادامه سومین متهم نیز با تأیید توضیحات دوستانش از خودش دفاع کرد.

در آخر ماهان – پسر همسایه مقتول – در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش گفت: «احمد دروغ می‌گوید او سال‌ها با من اختلاف حساب داشت به همین دلیل می‌خواست پای مرا به این پرونده باز کند و مرا درگیر کند»

در پایان هیئت قضایی بعد از شور، احمد، طاهر و سپهر را به اتهام مشارکت در قتل و سرقت مقرون به آزار به پرداخت دیه، ۲۰سال حبس و ۷۴ضربه شلاق محکوم کرد. سپس احمد را به خاطر جنایت بر میت به پرداخت دیه و طاهر را به اتهام جعل سند به ۱۳سال حبس محکوم کرد و ماهان نیز تبرئه شد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و از سوی یکی از شعبات آن تأیید شد.



## حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

# قاتل دعوای

# بوق زنی

# دستگیر شد

## متهم: پشیمانم اما فایده ندارد

**مرد جوانی که چند روز قبل در جریان دعوا**

**بر سر بوق زدن در منطقه قلعه‌نو مرتکب قتل**

**شده بود بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد.**

به گزارش خبرنگار مار، ساعت ۲۲:۴۰ شامگاه نهم فروردین‌ماه مأموران کلانتری ۲۱۱ قلعه‌نو شهرری به باز پرس ویژه قتل خیر دادند پسر جوانی در جریان نزاع مجروح شده و بعد از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داده است. بعد از آن بود که باز پرس به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شدند. جسد متعلق به پسر۲۲ ساله به نام حمیدرضا بود که با اصابت ضربه چاقو از ناحیه سینه مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان به علت شدت جراحات فوت شده بود. سپس جسد به دستور باز پرس به پزشکی قانونی منتقل شد و چند نفر از دوستان مقتول که هنگام حادثه همراه وی بودند مورد تحقیق قرار گرفتند. یکی از آنها گفت: همراه حمیدرضا و چند نفر از دوستان در حال عبور از عرض خیابان بودیم. همان لحظه یک خودرو پژو ۴۰۵ که در حال عبور بود با بوق زد و به رفتار ما اعتراض کرد. این موضوع سبب درگیری لفظی ما با راننده شد. البته به جز راننده مرد دیگری در صندلی شاگرد نشسته بود. لحظاتی بعد بود که راننده و سرنشین از خودرو پیاده شدند و با هم درگیر شدیم. در جریان درگیری، راننده با چاقو ضربه‌ای به حمیدرضا زد و بدون اینکه سوار خودرواش شود از محل فرار کرد.

مردی که همراه راننده بود هم در جریان تحقیقات گفت: راننده ۳۳ساله که مصطفی نام دارد از بستگان من است. آن شب در حال عبور بودیم که به رفتار چند نفر که در حال عبور از عرض خیابان بودند اعتراض کرد. همین موضوع سبب درگیری شد و حادثه اتفاق افتاد.

کارآگاهان پلیس در جریان تحقیقات بعدی محل زندگی مصطفی در قلعه‌نو را شناسایی کرده و برای بازداشت وی

سابقه بیماری روانی ندارد و مدتی قبل به خاطر اختلاف با نامزدش از او جدا شده است. در چنین شرایطی مأموران با دستور قضایی همراه پزشک

متخصصی برای بررسی وضعیت شهین راهی بیمارستان شدند. بررسی تیم تخصصی نشان داد شهین بیماری روانی ندارد اما نامزد سابقش با تشکیل پرونده جعلی روی‌لری برای همسر سابقش کارکنان آمبولانس خصوصی

# انتقام از دختر میلیاردر برای طلاق

زده همچنین قول داد پس از ازواج دو مغازه بزرگ که در یکی از خیابان‌های تهران است به عنوان هدیه ازواج به نام من بزند

چندی قبل پسر جوانی به نام سهیل به خواستگاری من آمد. او ظاهر خوبی داشت و پسر آرزویی به نظر می‌رسید. سهیل پسر یکی از دوستان صمیمی پدرم بود و پدرم خیلی به آنها اعتماد داشت و با اینکه من دانشجوی پزشکی بودم و سهیل فقط دیپلم داشت به همین سبب قبول کردم با سهیل ازواج کنم. فکر می‌کردم سهیل مرا خوشبخت می‌کند، اما پس از مدتی فهمیدم او به خاطر اموال پدرم با من ازواج کرده و چشمش به دنبال اموالی است که پدرم به نام من زده است. سهیل بیکار بود و تن به کار نمی‌داد و همین موضوع باعث اختلاف ما شد. هر روز اختلاف ما بیشتر می‌شد به طوری که زندگی ما و برای من غیر قابل تحمل شده بود. پنجاهمی از مقدم ما گذشته بود و هر روز اصرار داشت هر چه زودتر مراسم ازواجمان را برگزار کنیم، اما من که به هدف او پی برده بودم قبول نکردم و پیشنهاد طلاق دادم. سهیل ابتدا با پیشنهاد من موافقت نمی‌کرد و از طریق خانواده‌اش به من فشار می‌آورد تا اینکه مهریه‌ام را به اجرا گذاشتم و شرط کردم چنانچه مرا طلاق دهد مهریه‌ام را می‌بخشم. از آنجایی که او پول برای پرداخت مهریه‌ام نداشت قبول کرد و مرا طلاق داد.

وی ادامه داد: پس از طلاق سهیل هر روز مرا تهدید می‌کرد تا اینکه نقشه ربودن مرا طراحی کرد و روز حادثه پس از تشکیل پرونده دروغین مرا ربود و می‌بیمارستان روانی منتقل کرد. دو روز در بیمارستان بستری بودم و خواست آنقدر به من فشار بیاورد که املاک مرا به نام او بزنم. روز دوم فرار بود پس از خوراندن دارو وارد کردن شوک الکتریکی حال مرا بد کند و از من

انگشت بگیرد اما خوشبختانه همان لحظه‌ای که فرار بودم من شوک وارد

کندم مأموران پلیس با شکایت ما مردم وارد بیمارستان شدند و مرا نجات دادند. با طرح این شکایت مأموران پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی چهار سرنشین آمبولانس و نامزد سابق ششای آغاز کردند تا زوایایی پنهان این حادثه بر ملا شود.

فرار پیاده و شهین را به این بهانه در بیمارستان روانی بستری کرده است.

دختر جوان پس از ترخیص از بیمارستان در توضیح ماجرا گفت‌من دانشجوی پزشکی یکی از دانشگاه‌های تهران هستم و پدرم تاجر است. وضعیت مالی خیلی خوبی داریم به طوری که مدتی قبل پدرم دو ملک گرانبه‌ای را به نام من

سابقه بیماری روانی ندارد و مدتی قبل به خاطر اختلاف با نامزدش از او جدا شده است. در چنین شرایطی مأموران با دستور قضایی همراه پزشک

متخصصی برای بررسی وضعیت شهین راهی بیمارستان شدند. بررسی تیم تخصصی نشان داد شهین بیماری روانی ندارد اما نامزد سابقش با تشکیل پرونده جعلی روی‌لری برای همسر سابقش کارکنان آمبولانس خصوصی

زده همچنین قول داد پس از ازواج دو مغازه بزرگ که در یکی از خیابان‌های تهران است به عنوان هدیه ازواج به نام من بزند

چندی قبل پسر جوانی به نام سهیل به خواستگاری من آمد. او ظاهر خوبی داشت و پسر آرزویی به نظر می‌رسید. سهیل پسر یکی از دوستان صمیمی پدرم بود و پدرم خیلی به آنها اعتماد داشت و با اینکه من دانشجوی پزشکی بودم و سهیل فقط دیپلم داشت به همین سبب قبول کردم با سهیل ازواج کنم. فکر می‌کردم سهیل مرا خوشبخت می‌کند، اما پس از مدتی فهمیدم او به خاطر اموال پدرم با من ازواج کرده و چشمش به دنبال اموالی است که پدرم به نام من زده است. سهیل بیکار بود و تن به کار نمی‌داد و همین موضوع باعث اختلاف ما شد. هر روز اختلاف ما بیشتر می‌شد به طوری که زندگی ما و برای من غیر قابل تحمل شده بود. پنجاهمی از مقدم ما گذشته بود و هر روز اصرار داشت هر چه زودتر مراسم ازواجمان را برگزار کنیم، اما من که به هدف او پی برده بودم قبول نکردم و پیشنهاد طلاق دادم. سهیل ابتدا با پیشنهاد من موافقت نمی‌کرد و از طریق خانواده‌اش به من فشار می‌آورد تا اینکه مهریه‌ام را به اجرا گذاشتم و شرط کردم چنانچه مرا طلاق دهد مهریه‌ام را می‌بخشم. از آنجایی که او پول برای پرداخت مهریه‌ام نداشت قبول کرد و مرا طلاق داد.

وی ادامه داد: پس از طلاق سهیل هر روز مرا تهدید می‌کرد تا اینکه نقشه ربودن مرا طراحی کرد و روز حادثه پس از تشکیل پرونده دروغین مرا ربود و می‌بیمارستان روانی منتقل کرد. دو روز در بیمارستان بستری بودم و خواست آنقدر به من فشار بیاورد که املاک مرا به نام او بزنم. روز دوم فرار بود پس از خوراندن دارو وارد کردن شوک الکتریکی حال مرا بد کند و از من

انگشت بگیرد اما خوشبختانه همان لحظه‌ای که فرار بودم من شوک وارد

کندم مأموران پلیس با شکایت ما مردم وارد بیمارستان شدند و مرا نجات دادند. با طرح این شکایت مأموران پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی چهار سرنشین آمبولانس و نامزد سابق ششای آغاز کردند تا زوایایی پنهان این حادثه بر ملا شود.

**مرد جوان پس از اینکه با درخواست طلاق از سوی نامزد**

**میلیاردرش مواجه شد، سناریوی ربودن و بستری کردن**

**وی را در یک بیمارستان روانی طراحی و اجرا کرد.**

به گزارش خبرنگار مار، چندنی قبل زن میانسالی براسیمه اداره پلیس رفت و از ربودن دختر جوانش از سوی چند مرد ناشناس شکایت کرد. شاکي در توضیح ماجرا گفت: ما وضع مالی خوبی داریم و خانمان در یکی از خیابان‌های شمال تهران است، ساعت ۱۱ شب بود که صدای زنگ خانمان به صدا درآمد. مردی پشت ایفون گفت که با پدرم شهین راهی دارم و دخترم به جلوی در رفت. لحظاتی بعد صدای فریاد کمک‌خواهی دخترم داخل کوچه به گوشم رسید و به سرعت خودم را به جلوی در رساندم که دیدم آمبولانسی از داخل کوچه‌مان بیرون رفت و از دخترم خبری نیست و به همین دلیل احتمال دادم سرنشینان آمبولانس دخترم را ربوند.

پس از طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تهران برای پیدا کردن دختر جوان وارد عمل شدند. مأموران در نخستین گام فیلم دوربین مداربسته محل حادثه را بررسی کردند. بررسی ها نشان داد دقیقی قبل از حادثه خودروی آمبولانس شرکت خصوصی جلوی در خانه شاکي توقف می‌کند و داخل خودرو چهار مرد پیاده می‌شوند. همچنین مشخص شد وقتی شهین راهی جلوی در خانه‌شان می‌آید چهار مرد ناشناس وی را به زور سوار خودروی آمبولانس می‌کنند و از محل دور می‌شوند. با باندست آوردن مشخصات خودرو مشخص شد سرنشینان آمبولانس شهین راهی عنوان بیمار روانی به یکی از بیمارستان‌های تهران منتقل و بستری کرده‌اند.

مأموران همچنین در یافتند روز قبل از حادثه مردی به بیمارستان روانی مراجعه و اعلام کرده نامزدش دچار مشکل روحی و روانی است به طوری‌که به خودش و افراد نزدیکش آسیب می‌رساند. وی بدین ترتیب خانه‌اش را کارکنان بیمارستان درخواست بستری شدن نامزدش را خواستار شده‌است.

از سوی دیگر با توجه به شکایت مادر شهین مشخص شد دختر ربوده شده

## مرگ آتشیبغ یگ ایرانی در تئلیسی

**یک شهروند ایرانی روز جمعه بر اثر آتش سوزی**

**در مهمانسرای در مرکز شهر تفلیس یانپخت گرجستان،**

**جان باخت و سه نفر دیگر نیز دچار سوختگی شدند.**

به گزارش پایگاه خبری نیوز گنور گگیا، در محل وقوع حادثه که پیشتر یک ساختمان مسکونی بوده و به تازگی به مهمانسرا تبدیل شده بود، چند گردشگر ایرانی مستقر بودند.

براساس این گزارش و به نقل از ساکنان محلی، آتش سوزی از طبقه اول این ساختمان دو طبقه شروع شد و سپس به طبقه بالا سرایت کرده است. «مامو کا گبیر یملی» معاون اداره حوادث غیر مترقیه تفلیس، در مورد این حادثه اعلام کرد، فرد جان باخته تبعه ایران و ۷۰ساله بود.وی اشارهای به هویت فرد جان باخته و خسارت دیدگان این حادثه نکرد. شش گروه آتش نشانی موفق به مهار آتش سوزی شدند. گرجستان در چند سال اخیر به یکی از مقاصد گردشگران ایرانی تبدیل شده است، شهروندان ایرانی برای سفر به گرجستان نیاز به گرفتن ویزا ندارند.

بازیر سال گذشته نیز، آتش سوزی در هتلی در بندر باتومی گرجستان منجر به کشته شدن ۱۱ نفر شد که یکی از جان باختگان ایرانی بود.

فرار پیاده و شهین را به این بهانه در بیمارستان روانی بستری کرده است.

دختر جوان پس از ترخیص از بیمارستان در توضیح ماجرا گفت‌من دانشجوی پزشکی یکی از دانشگاه‌های تهران هستم و پدرم تاجر است. وضعیت مالی خیلی خوبی داریم به طوری که مدتی قبل پدرم دو ملک گرانبه‌ای را به نام من

|| شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۷ | ۲۰ رجب ۱۴۳۹ |

## شهادت مأمور پلیس در قصر شیرین

**یکی از مأموران پلیس در شهرستان قصر شیرین توسط قاچاقچیان سوخت به شهادت رسید.**

این حادثه ظهر روز پنج‌شنبه در محور قصر شیرین به سرپل ذهاب اتفاق افتاد که در جریان آن مأموران پلیس با افراد مسلح که با خودروی نیسان در حال انتقال سوخت قاچاق بودند درگیر شدند. در جریان درگیری یکی از مأموران پلیس به نام ستوان یکم ایوب اسلامی‌نیا، مسئول دایره مبارزه با قاچاق کالا به شهادت رسید و راننده یک خودروی عبوری هم زخمی شد. براساس این گزارش یکی از قاچاقچیان در جریان درگیری مجروح شد و ضارب مأمور پلیس هم خودکشی کرد و همدستان وی از محل فرار کردند که تلاش برای بازداشت آنها در جریان است.

## تهران به ۴۰کلانتری تازه نیاز دارد

رئیس پلیس پایتخت از نیاز تهران به ۴۰کلانتری جدید خبر داد و گفت: در این زمینه جلسه با فرمانداری و استانداری برای افزایش کلانتری‌ها برگزار شده است.

سردار حسین رحیمی توضیح داد: بر اساس مصوبه شورای امنیت باید ۴۰کلانتری در تهران اضافه شود و برای افزایش کلانتری‌ها با فرمانداری و استانداری چندین جلسه برگزار کردیم، اما تا کنون نتیجه‌ای حاصل نشده است.

## سقوط مرگبار زن جوان در کامرانیه

**زن جوان پس از سقوط از طبقه چهارم ساختمانی در کامرانیه جانش را از دست داد.**

سرهنگ آزادبخت، رئیس کلانتری ۱۲۲ نیاوران در این حادثه گفت: ساعت ۱ بامداد روز پنج‌شنبه اتفاق افتاد و بررسی‌های پلیس بعد از حضور نشان داد که زن جوان در خانه یکی از آشنایان خود پس از بروز اختلافی به اتاق مشرف به بالکن می‌رود و در را می‌بندد و لحظاتی بعد روز از طبقه چهارم پر تابی می‌کند که پس از انتقال به بیمارستان فوت می‌کند. بررسی‌ها در این باره جریان دارد.

## تیراندازی به خودروی نماینده شادگان

افراد ناشناس پس از تیراندازی به خودروی نماینده شادگان از محل متواری شدند.

این حادثه شامگاه پنج‌شنبه در این شهر اتفاق افتاد و افراد ناشناس پس از تیراندازی به سمت خودروی بارک شده ناصری نژاد از محل متواری شدند. این حادثه تلفات جانی نداشت و خودروی نماینده شادگان و سه خودروی دیگر هدف اصابت چند گلوله قرار گرفت.

## سقوط مرگبار کارگر ۵۰ساله

**سرپرست کلانتری ۱۰۵سنایی از سقوط مرگبار کارگر ۵۰ساله نوظافتی ساختمان خبر داد.**

سرهنگ مصطفوی گفت: ساعت ۱۵:۴۰ روز پنج‌شنبه کارگر نوظافتی شرکتی در خیابان وزرا در حال نظافت شیشه ساختمان از طبقه چهارم سقوط کرد که بر اثر مصدومیت شدید فوت کرد. وی گفت: تحقیقات پلیس در این باره جریان دارد.

## انحراف به چپ پژو با ۴کشته

انحراف به چپ خودروی سواری پژو ۴۰۵ و تصادف آن با اتوبوس مسافربری و وانت نیسان چهار کشته و سه مجروح بر جای گذاشت.

این حادثه حوالی ساعت ۱۵ دقیقه بامداد جمعه در کیلومتر ۱۶۰محور سفید آبه در شمال استان سیستان و بلوچستان اتفاق افتاد که در جریان آن یک دستگاه سواری پژو ۴۰۵ به دلیل انحراف به چپ با یک دستگاه اتوبوس و وانت نیسان بر خورد کرد که در این حادثه چهارسرنشین پژو ۴۰۵کشته و سه‌سرنشین پژو ۴۰۵ و وانت نیسان مجروح شدند.